فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ٤، بهار ۹۳، صفحات ۵۱-۷٤

اشتغال مادر و کسب سرمایه‌ی انسانی فرزندان ۱۵ تا ۱۹ساله‌ی شهری ایران

حسین محمودیان[۱]، محمد ترکاشوند مرادآبادی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱

چکیده

خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی تحولات زیادی را در ده‌های گذشته تجربه کرده است. این تحولات وضعیت همه‌ی افراد خانواده مخصوصاً فرزندان را دگرگون کرده است. این مقاله بر آن است تا با استفاده از داده‌های پیمایش گذران وقتِ که در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ در زمینه خانوارهای شهری ایران انجام شده است، به بررسی أثر اشتغال مادر بر کسب سرمایه‌ی انسانی فرزندان ۱۵ تا ۱۹ ساله بپردازد. نتایج نشان داد که فرزندان مادران شاغل، مدّت زمان بیش‌تری را به کسب سرمایه‌ی انسانی می‌پردازند؛ چرا که درآمد حاصله از کار مادر منبع خوبی برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی انسانی فرزندان است. این نتایج منطبق با مطالعات پیشین بوده است. در بررسی بیش‌تر نتایج، نشان داده شد اثر اشتغال مادر با اثر میزان تحصیلات وی پیوند می‌خورد. اکثر مادران شاغل دارای تحصیلات نسبتاً بالایی بودند. اشتغال و سواد مادر در تعامل با هم‌دیگر تأثیر مضاعفی را بر سرمایه‌ی انسانی فرزند اعمال می‌کند. بررسی رتبه‌ی شغلی و مقدار زمان کار مزدی مادران شاغل نیز اثر مثبت درآمد حاصله از اشتغال بر کسب سرمایه‌ی انسانی فرزندان را نمایان ساخته است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌ی انسانی، اشتغال مادر، فرزندان، تحصیلات مادر، خانواده، مناطق شهری.

[۱]- دانشیار گروه جمعیّت‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسؤول) hmahmoud@ut.ac.ir

[۲]دانشجوی دکتری جمعیّت‌شناسی دانشگاه تهران m.torkashvand@ut.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مقدمه و طرح مسأله

در جهان امروزی در طی تحولات اقتصادی و اجتماعی به‌وجودآمده، خانواده نیز به‌عنوان یک نهاد اجتماعی تحولات بسیاری را متحمّل شده است. این تحولات، نویدها و نگرانی‌هایی را برای فرزندانی که قرار است در این خانواده‌های نوظهور پرورش یابند به‌وجود آورده است. برخی محققان درباره‌ی چگونگی این که رشد دست‌آوردهای والدین و کاهش بعدِ خانوار حاکی از افزایش رفاه و کیفیت فرزندان بوده است تحقیق کرده‌اند (محمودیان و ترکاشوند ۲۰۱۳، فراری و زوآنا[۳] ۲۰۱۰، یاکیتا[٤] ۲۰۰۹، بکر، مورفی و تامورا[٥] ۱۹۹۰، بکر، سینیرلا و وئس‌من[٦] ۲۰۱۰، هانیوشک[۷] ۱۹۹۲، بلیک و دیگران ۲۰۰۵، و چونگ و آندرسون[۸] ۲۰۰۳ و بیانچی و رابینسون ۱۹۹۷، کولی[۹] و دیگران ۲۰۰۷). در همین حال برخی دیگر بر روندهایی از قبیل رشد تک‌والدینی و افزایش اشتغال زنان تأکید دارند که نتایج منفی را برای فرزندان به‌دنبال دارد. مطالعات درباره‌ی اشتغال زنان دارای نتایج متفاوتی بوده و برخی بر اثر منفی و برخی نیز بر اثر مثبت آن نظر دارند. تک‌والدینی نیز هم به رشد فقر و کاهش رفاه فرزندان (گارفینکل و مک لوهان[۱۰] ۱۹۸٦، دانکن و هوفمن ۱۹۸۵) و هم باعث کاهش کنترل و تشویق در محیط خانواده برای فرزندان شده است (چونگ و آندرسون ۲۰۰۳، استون و مک لوهان[۱۱] ۱۹۹۱، آماتو و کیث[۱۲] ۱۹۹۱ و هاومن و ولف[۱۳] ۱۹۹۵).

این نتایج، مطالعات زیادی را در این زمینه برانگیخته و نگرانی‌هایی را در میان سیاست‌مداران به‌وجود آورده است. بحث در این زمینه ادامه خواهد داشت، چرا که تغییرات در خانواده در جریان هستند و هم‌چنان خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین عامل شکل‌دهنده‌ی رفتار فرزندان محسوب می‌شود

---

[۳]- Ferrari and Zuanna

[٤]- Yakita

[٥]- Becker, Murphy and Tamura

[٦]- Becker, Cinnirella and Woessmann

[۷]- Hanushek

[۸]- Cheung and Andersen

[۹]- Coley

[۱۰]- Garfinkel and McLanahan

[۱۱]- Astone and McLanahan

[۱۲]- Amato and Keith

[۱۳]- Haveman and Wolfe

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

و فرزندان مهم‌ترین دوران زندگی خود را در خانواده می‌گذرانند و بسیاری از رفتارهای آن‌ها بر اساس محیط خانواده شکل می‌گیرد.

مفاهیم مرتبط به‌هم سرمایه‌ی انسانی و توسعه، اهمیت دوران کودکی و نوجوانی و فعالیت‌هایی که در این مرحله از زندگی انجام می‌شود را نشان می‌دهد. در تئوری سرمایه‌ی انسانی که جامعه‌شناسان از اقتصاددانان کلاسیک کسب کرده‌اند، نظر بر این است که امروزه، با بحث‌هایی که از جامعه آگاهی و دانش می‌شود، سرمایه‌ی انسانی ریشه و علت اصلی توسعه است (آزاد ارمکی، مبارکی و شهبازی ۱۳۹۱). لذا قبل از هرچیزی باید در این زمینه سرمایه‌گذاری کرد (شولتز ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱، بکر ۱۹۶۲، ۱۹٦٤، ۱۹۷۵، هورومنیا[۱٤] ۲۰۱۱). در مطالعات فراوانی نیز نشان داده شده است که سرمایه‌ی انسانی و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در آن نقش اساسی در توسعه و رشد داشته‌اند (بکر ۱۹۷۵ و ۱۹۶۲، شولتز ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱، هورومنیا ۲۰۱۱). لذا باید بگوییم که امروزه رشد و توسعه به‌طور معناداری در ارتباط با همکاری میان دانش و سرمایه‌ی انسانی است.

سرمایه‌ی‌انسانی در این تئوری به‌عنوان دانش، مهارت، توانایی و دیگر صفات داده شده به انسان‌ها که مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی هستند تعریف شده است (سازمان توسعه و تعاون اقتصادی[۱۵]، ۱۹۹۸: ۹). در این دیدگاه تأکید اصلی بر فراگیری‌ها و مهارت‌هایی است که فرد به‌دست می‌آورد، به‌ویژه این که دو مفهوم اصلی این دیدگاه بر آموزش و سواد رسمی، و مهارت‌های کارآموزی متمرکز است (شولتز ۱۹٦۱، بکر ۱۹٦۲). از آن‌جایی که دوران کودکی و نوجوانی از دوره‌های مهم زندگی فرد در فراگیری و کسب مهارت‌ها هستند، در تئوری سرمایه‌ی‌انسانی نیز دوران جوانی و نوجوانی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی فرد دانسته شده و نظر بر این است که ویژگی‌هایی که در این دوران کسب می‌شود پیش‌بینی‌هایی قوی را از دست‌آوردهایی که او در آینده خواهد داشت، دارند. کسانی که در این دوران توانایی‌های بیش‌تری را کسب می‌کنند احتمال بیش‌تری دارد که توانمندی‌ها و قابلیت‌های بهتری را در زندگی خود در آینده نشان دهند (رحمانی فیروزجاه و سهرابی ۱۳۹۲). لذا این موضوع که چه چیزهایی توانایی‌های این افراد را در این مرحله از زندگی تعیین می‌کند و فهم این‌که چه چیزی مانع و چه چیزی کمک به توسعه‌ی شایستگی‌هایی که در آینده به موفقیت‌هایی در زندگی فرد منتهی می‌شوند در این تئوری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از جمله عواملی که در تئوری سرمایه‌ی‌انسانی در تعیین‌کنندگی

[۱٤]- Horomnea

[۱۵]- OECD

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی‌انسانی کودکان مهم دانسته می‌شود، خانواده و ویژگی‌های آن است. همان‌گونه که گری بکر از بنیان‌گذاران این تئوری می‌گوید: *«هیچ بحثی در سرمایه‌ی‌انسانی نمی‌تواند از تأثیر خانواده بر مهارت و دانش و ارزش‌های فرزندان چشم‌پوشی کند»* (بکر ۱۹۷۵).

در واقع تا زمانی که کودکان در خانه زندگی می‌کنند والدین به طرق مختلفی بر سرمایه‌ی‌انسانی آن‌ها تأثیر می‌گذارند. در ساده‌ترین شکل، این والدین هستند که تصمیم می‌گیرند که کودک به مدرسه برود یا نرود؛ هم‌چنین این والدین هستند که درباره‌ی کیفیت مدرسه، نوع مدرسه، وسایل مورد نیاز و موارد مرتبط با آن تصمیمات اصلی را می‌گیرند. نظارت والدین بر تکالیف کودکان، و حتی کمک‌های آن‌ها در انجام تکالیف کودکان نیز بر دست‌آوردهای تحصیلی و مهارت‌های اکتسابی آن‌ها بسیار مؤثر است. برای مثال کودکان والدین با سواد و مرفه، قابلیت بیش‌تری را برای توسعه‌ی شناختی دارند. کم شدن تعداد کودکان نیز می‌تواند منابع در دسترس آن‌ها را بیش‌تر بکند. بالاتر بودن سواد والدین می‌تواند مزایای اشتغال آن‌ها را بیش‌تر بکند و لذا رفاه اقتصادی بیش‌تری را نیز برای فرزندان به بار بیاورد. از طرفی با افزایش سواد مادران راه‌یابی آن‌ها به بازار کار بیش‌تر شده و لذا زنان زمان کمتری را با فرزندان خود می‌گذرانند و لذا کنترل‌شان بر فرزندان کمتر شده و می‌تواند أثر منفی را بر سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان داشته‌باشد. افزایش طلاق و افزایش تک‌والدینی نیز أثری مشابه با اشتغال زنان را به‌همراه داشته است و نه تنها از حضور والدین در خانه کاسته است بلکه سایر مسائل مالی و روانی را نیز برای فرزندان به‌بار آورده است. همه‌ی این‌ها نمونه‌هایی هستند که می‌توانند چگونگی اثر والدین بر زندگی کودکان را نمایان سازند و تغییراتی که در خانواده در حال شکل‌گیری است نیز هریک از این ابعاد را به گونه‌ای دستخوش تغییر می‌کند و لذا بر زندگی فرزندان در حال رشد در این خانواده‌ها نیز اثرگذار است.

خانواده‌ی ایرانی نیز در سال‌های اخیر تغییرات فراوانی را متحمّل شده است. میزان تحصیلات والدین، به‌ویژه زنان، افزایش یافته است و درنتیجه حضور والدین تحصیل‌کرده در بازار کار افزایش یافته است. به موازات آن، با کاهش میزان باروری، بُعد خانوار نیز به‌مقدار قابل توجه‌ای کاهش یافته است (مرکز آمار ایران[۱۶] ۲۰۱۳). از سوی دیگر، نسبت طلاق به ازدواج نیز دائماً در

[۱۶]- Statistical Centre of Iran

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

حال افزایش بوده است (محمودیان و دیگران ۱۳۹۱). همه‌ی این وقایع به‌گونه‌ای در کنار هم و هم‌زمان رخ داده‌اند.

در مطالعه‌ی محمودیان، قاضی طباطبایی و ترکاشوند (۱۳۹۲) تأثیر تک والدینی بر کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان مورد بررسی قرار گرفت. تک‌والدینی، از طریق کاهش ارتباط والدین و فرزند، کاهش فرصت سرپرست خانوار در پرداختن به امور خانه و کاهش سطح کنترل و نظارت او بر فعالیت‌های فرزندان، می‌تواند اثر منفی را بر کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان بر جای بگذارد. هم‌چنین تأثیر بعد خانوار بر سرمایه‌ی انسانی فرزندان (محمودیان و ترکاشوند ۲۰۱۳) منفی بوده است. تفاوت گسترده در کسب سرمایه‌ی‌انسانی در میان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند، و خانواده‌های دارای سه فرزند و بیش‌تر است. در این مقاله، بعد دیگری از وضعیت خانواده، یعنی اشتغال مادران مورد نظر بوده و هدف بررسی اثراتی است که اشتغال مادر می‌تواند برای فرزندان به بار بیاورد.

زمینه‌های نظری

اشتغال مادر و کسب سرمایه‌ی انسانی در فرزندان

همان‌گونه که اشاره شد، اثر اشتغال مادر بر فرزندان نتایج هم مثبت و هم منفی است. این تأثیر دوگانه را می‌توان ناشی از تفاوت در مکانیسم تأثیرگذاری دانست. این مکانیسم‌های متفاوت را به‌خوبی می‌توان در تئوری‌ها مرتبط مشاهده کرد.

در ***تئوری‌های اقتصادی*** خانواده به‌عنوان یک واحد تولیدی درنظر گرفته می‌شود که باتوجه به درونداده‌هایی که دارد، سعی بر به حداکثر رساندن سودمندی اعضایش دارد (هاومن و ولف ۱۹۹۵: ۱۸۳۲). در این‌جا کار مادر می‌تواند منابع اقتصادی خانواده را بیش‌تر کند و لذا والدین توانایی بیش‌تری برای سرمایه‌گذاری بر روی فرزندان دارند. هم‌چنین می‌توان گفت که سواد بیش‌تر باعث بالاتر رفتن درآمد نیز می‌شود و لذا منفعت اشتغال را بالاتر می‌برد.

جامعه‌شناسان و ***روان‌شناسان*** نیز به ارائه‌ی رویکردهایی در تکمیل رویکردهای اقتصادی پرداخته‌اند. درحالی که کانال‌های تأثیر در این دیدگاه‌ها متفاوت از دیدگاه‌های اقتصادی است، ولی دلالت‌های‌شان هم‌سو با آن‌ها است. در ***مدل نقش و اجتماعی‌شدن*** به تأثیر مدل‌های نقشی و اجتماعی شدن بر کودکان تأکید می‌شود. از آن‌جایی که والدین و بزرگ‌ترهای خانه جزء مدل‌های نقشی اولیه برای کودکان می‌باشند؛ لذا تأثیر مستقیمی را بر توسعه‌ی اجتماعی و شناختی کودکان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

دارند. برای مثال والدین باسواد که وقت بیش‌تری را در مطالعه می‌گذرانند باعث می‌شوند که کودکان نیز با مطالعه آشنایی بیش‌تری را داشته باشند و مطالعه بیش‌تری را داشته باشند. (همان: ۱۸۳٤). ***چارچوب اجتماعی شدن*** نیز با توجه به انتقال ویژگی‌ها از والدین به کودک، بر اهمیت وجود والدین در خانه در جهت پرورش و توسعه ی یک شخصیت طبیعی تأکید دارند. هم‌چنین، حضور والدین در خانه باعث افزایش کنترل و نظارت والدین و کاهش سایر تأثیرگذارهای منفی می‌شود (همان: ۱۸۳۲). بنابراین، کار مادر باعث می‌شود که او زمان کمتری را در خانه بگذراند و لذا از نقش تربیتی و کنترلی او در خانه کاسته می‌شود (همان: ۱۸۳٦).

مطالعات پیشین

حجم مطالعات در زمینه‌ی اثر اشتغال مادر بر فرزندان فراوان است، ولی نتایج از هم متفاوت است. برخی مطالعات بر اثر مثبت کار مادر بر دست‌آوردهای کودکان نظر دارند. در این مطالعات بیش‌تر به بالا رفتن درآمد خانواده توجه شده و این که با اشتغال مادر درآمد خانواده بیش‌تر می‌شود و سرمایه‌گذاری بیش‌تری در سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان صورت می‌گیرد. در مطالعه‌ی *هیل و دانکن*[۱۷] (۱۹۸۷) نشان داده شد که با اشتغال مادر و بالا رفتن سطح درآمد مادر، دست‌آوردهای آموزشی کودکان بالاتر می‌رود. *کولی و دیگران* (۲۰۰۷) نیز نتایج مشابهی را به‌دست آوردند و هم-چنین نشان دادند که هرچه سواد مادر بیش‌تر باشد اثر مثبت بیش‌تر است؛ چرا که با بالارفتن سواد مادر مزایای اشتغال بیش‌تر می‌شود و لذا بر دست‌آوردهای فرزندان اثر بیش‌تری می‌گذارد. *بکر و استیونسون*[۱۸] (۱۹۸٦) و *برنال و فروتر* (۲۰۰۸) نیز اثر مثبت درآمد بر دست‌آوردهای کودکان را در مطالعات خود به‌دست آوردند.

با این وجود، برخی مطالعات بر رابطه‌ی منفی میان کار مادر و سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان نظر دارند. در این مطالعات بیش‌تر بر نقش اجتماعی مادر و کاهش زمان صرف شده از سوی او برای غنی کردن محیط خانه در هنگام اشتغال تأکید شده است. *بیانچی* (۲۰۰۰) نشان داد که کار زیاد باعث خسته شدن والدین می‌شود؛ لذا علاوه بر کاهش نظارت، کاهش دلبستگی‌ها، کاهش کیفیت و کمیت روابط، و استرس از دیگر مکانیسم‌هایی است که اشتغال مادر ممکن است تأثیر منفی

[۱۷]- Hill and Dungan

[۱۸]- Baker and Stevenson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

کودک برجای بگذارد. *فراری و زوآنا* (۲۰۱۰)،*راهم*[۱۹] (۲۰۰۸)، وایت و دیگران (۲۰۰۹)، برنال (۲۰۰۸)، و *هاومن و ولف* (۱۹۹۵) نیز در مطالعات خود اثر منفی اشتغال مادر را بر دست‌آوردهای فکری فرزندان نشان دادند. *هوریوچی*[۲۰] (۲۰۰٤) نیز اثر منفی اشتغال مادر را تنها برای دختران به‌دست آورد و نتیجه گرفت که این اثر ممکن است ناشی از محوّل شدن کارهای خانه به دختران در اثر اشتغال مادر باشد.

طرح نظری تحقیق

شاید هرکسی در نگاه اولیه به تئوری‌ها و مطالعات صورت گرفته در زمینه‌ی اثر اشتغال مادران بر دست‌آوردهای فرزندان، نتایج را پیچیده، متفاوت و غیرقابل تعمیم بداند. ولی همان‌گونه که گفته شد، اثر گذاری متفاوت ناشی از مکانیسم‌های متفاوت اثرگذاری اشتغال مادر بر فرزندان است. البته در یک نگاه ریزبینانه‌تر به نتایج مشاهده می‌شود که نوعی هم‌گرایی در نتایج نیز وجود دارد. در اکثر مطالعات، اثر منفی کار مادر بیش‌تر برای فرزندان جوان‌تر و اثر مثبت آن برای فرزندان مسن تر بوده است. در نتیجه می‌توان پرسید که ۱- چگونه اشتغال مادر می‌تواند برای فرزندان نتایج منفی داشته باشد؟ و۲- چگونه اشتغال مادر می‌تواند برای فرزندان نتایج مثبتی را به بار بیاورد؟

پاسخ به دو سؤال فوق را می‌توان این چنین طرح کرد که اشتغال مادر باعث می‌شود که مادر قسمتی از زمان خود را که می‌توانست در خانه باشد، در خارج از خانه بگذراند. مقدار زمانی را که والدین (به‌ویژه مادر) در خانه می‌گذرانند یکی از متغیّرهای مهم در فرایند رشد فرزندان است. مادری که مجبور است ساعاتی از روز را در بیرون باشد، پس وقت کمتری برای فرزندان خود دارد. هرچه کودکان زمان بیش‌تری را در خانه تنها باشند، کنترل بر رفتار و انجام تکالیف آن‌ها کمتر است.

در سنین کودکی، با عمومی بودن آموزش، بحث مالی در مدرسه رفتن زیاد مطرح نیست. آن چه در این سنین مطرح می‌شود، محیط خانه است. محیط آرام خانه یک پیش شرط برای پیشرفت درسی فرزندان است. وجود والدین در خانه (به‌ویژه مادر) در این سن می‌تواند نقش کنترلی و

---

[۱۹]- Ruhm

[۲۰]- Horiuchi

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تربیتی مهمی را برای فرزندان در انجام تکالیف داشته باشد. حتی مادران می‌توانند نقش آموزش‌دهنده و کمکی را نیز در انجام تکالیف فرزندان داشته باشند.

در سنین بالاتر، فرزندان کنترل بیش‌تری را بر فعالیت‌های خود دارند. در این سنین علاوه بر سواد رسمی، سایر مهارت‌های خارج از مدرسه نیز برای فرزندان مطرح می‌شود. آن‌ها ممکن است که به تأثیر از گروه هم‌سالان و علایق خود به سایر فعالیت‌های هنری، ورزشی و آموزشی خارج از مدرسه نیز بپردازند. آن چه در این جا مطرح می‌شود، نیاز به هزینه کردن برای پرداختن به این گونه فعالیت‌ها است. اشتغال مادر می‌تواند منبع خوبی برای رفع این نیاز باشد. همان‌گونه که نتایج نشان داده است، مادران بیش‌تر تمایل دارند که درآمد خود را مستقیم صرف فرزندان کنند و کمتر به فکر هزینه‌های سرمایه‌ای هستند (هیل و دانکن ۱۹۸۷).

مدت زمان بیش‌تر بیرون از خانه می‌تواند به‌معنی درآمد بیش‌تر هم باشد. اما درآمد می‌تواند بر حسب رتبه‌ی شغلی و سواد فرد نیز متفاوت باشد. پس مادر باسوادی که می‌تواند با چند ساعت کار، درآمد بالایی را کسب کند می‌تواند بسیار متفاوت از مادری باشد که مدت بیش‌تری را با درآمد پایین‌تر در خارج از خانه است. سواد مادر علاوه بر تأثیر بر درآمد، می‌تواند در نقش او در خانه نیز موثر باشد. یک مادر باسواد ممکن است که وقت خود را به‌صورتی تنظیم کند که وقت گذراندن با فرزندان را در خانه به‌خوبی در برنامه‌ی خود داشته باشد. در کنار این‌ها باید به زمان حضور پدر نیز توجه داشت. وجود پدر در خانه و کمک به امور خانه می‌تواند از تأثیر منفی نبودن مادر در خانه بکاهد. پس‌نیاز است که در بررسی اثر اشتغال مادر بر فرزندان توجه خود را این متغیّرهای مهم دور نداریم.

روش تحقیق و داده‌ها

روش بررسی

در این پژوهش از تحلیل ثانویه[۲۱] داده‌های «طرح آمارگیری گذران وقت» استفاده شده است. این طرح توسط مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ در نقاط شهری کشور انجام شده است.

جمعیّت آماری

[۲۱]-Secondary data analysis

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جمعیت آماری، فرزندان ۱۵ تا ۱۹ ساله‌ی مجرد در خانوارهای ساکن در مناطق شهری هستند. دلیل انتخاب زیر ۲۰ سال این است که معمولاً در سنین بالا افراد از خانواده‌های خود جدا می‌شوند و یا حداقل این که حضور کمتری در خانه دارند. انتخاب مجردین نیز به این دلیل است که افراد متأهّل هم از خانواده‌های خود جدا شده و کمتر متأثر از آن هستند و دیگر این که هدف این گزارش بررسی فعالیت‌هایی است که در کسب سرمایه‌ی‌انسانی در آینده مفید هستند و در واقع فرد هنوز در پی سرمایه‌گذاری بر خود برای ساختن آینده است، درصورتی که فرد متأهّل کمتر به فکر سرمایه‌گذاری است و بیش‌تر در فکر کار کردن و فعالیت‌های مزدی است تا آموزش و کسب مهارت. علاوه بر آن خانواده‌هایی انتخاب شدند که در آن‌ها پدر و مادر هر دو وجود داشته و پرسش‌نامه‌ی گذران وقت را پر کرده باشند. بر این اساس ۳۰۴۲ فرزند انتخاب شدند.

متغیّرهای مورد بررسی

متغیّر وابسته اصلی این تحقیق ***کسب سرمایه‌ی‌انسانی*** در فرزندان است. همان‌گونه که در نظر تئوری‌پردازان تئوری سرمایه‌ی‌انسانی مطرح شد، دو عامل اصلی در کسب سرمایه‌ی‌انسانی شامل آموزش رسمی و فعالیت‌های کار آموزی هستند. در طبقه‌بندی فعالیت‌های ثبت شده از افراد در پیمایش گذران وقت، یکی از طبقات تحت عنوان فراگیری است که شامل مطالعه،حضوردرکلاس‌ها،مطالعه‌یشخصیدرارتباطبادوره‌هایتحصیلازراهدور، سایرفعالیت‌هاییکهدرزمینه‌ی برنامه‌هایتوأموفوقبرنامهانجاممی‌گیرد، تکلیفخانه،مرورکردندرس‌ها،تحقیقوفعالیت‌هایمرتبطباتحصیلاتعمومی، مطالعاتاضافی،تحصیلاتغیررسمیوگذراندندوره‌هایمختلفدرطیزمان فراغت آموزشومطالعهدرزمینه‌ی توسعه‌ی مهارت‌هایشغلی و غیره است. با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی و نشان دادن این که این فعالیت‌ها قابلیت جمع‌پذیری با هم دارند، به جمع‌بندی مقدار زمانی که افراد بر حسب دقیقه به این فعالیت‌ها می‌پردازند، تحت عنوان فعالیت‌های مرتبط با کسب سرمایه‌ی‌انسانی پرداخته شد.

متغیّر اصلی مستقل تحقیق نیز ***وضع فعالیت مادر*** است. وضع فعالیت در پیمایش‌گذران وقت با کدهای ۱- در روز گذشته حداقل یک ساعت کار کرده است؛ ۲- دارای شغل ولی در هفت روز گذشته کار نکرده؛ ۳- در ۳۰ روز گذشته در جستجوی کار بوده است؛ ٤- در انتظار شروع کار جدید یا برگشت به‌کار قبلی بوده و آماده به‌کار است؛ ۵- محصّل است؛ ٦- دارای درآمد بدون کار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

است؛ و ۷- خانه‌دار است، طبقه‌بندی‌شده است. کد ۱ تحت عنوان شاغل، کدهای ۲ و۳ و٤ تحت عنوان بی‌کار و سایر کدها نیز به‌همان صورت به‌کار گرفته شد.

سطح تحصیلات مادر با کنار هم گذاشتن پاسخ دو مورد از سؤالات پیمایش گذران وقت به‌دست آمد. در سؤال اول، باسواد و بی‌سواد بودن افراد پرسیده شد و در سؤال دوم مدرک تحصیلی افراد با سواد با کدهای ۱) ابتدایی، ۲) راهنمایی، ۳) متوسطه و دیپلم، ٤) پیش‌دانشگاهی، ۵) فوق‌دیپلم، ٦) لیسانس، ۷) فوق لیسانس و دکتری حرفه‌ای، ۸) دکتری تخصصی و۹) سوادآموزی و غیر رسمی آمده است. کد صفر سؤال اول، وضعیت بی‌سواد را نشان می‌دهد. ابتدایی از ترکیب سوادآموزی غیر رسمی و ابتدایی به‌دست آمد. کد ها ۵، ٦، ۷، و ۸ را نیز تحت عنوان تحصیلات عالیه طبقه‌بندی شدند و سایر کدها نیز به‌همان شکل به‌کارگرفته شدند. ***رتبه‌ی شغلی مادر*** نیز از سؤال وضعیت شغلی با کدهای ۱) کارفرما ۲) کارکن مستقل ۳) مزدبگیر بخش عمومی ٤) مزدبگیر بخش خصوصی ۵) کارکن فامیلی بدون مزد، به‌دست آمد. ***مقدار زمان کار مزدی مادر*** نیز با جمع دقایق فعالیت‌های افراد (تحت عنوان کار مزدی) به‌دست آمد.

یافته‌ها

جدول شماره‌ی یک توزیع نسبی فرزندان را بر حسب متغیّرهای مختلف نشان می‌دهد. فرزندان دختر ٥٤ درصد و فرزندان پسر ٤٦ درصد از کل نمونه را تشکیل می‌دادند. این فرزندان به‌صورت تقریباً یک نواختی در سنین ۱۵ تا ۱۹ ساله پراکنده شده‌اند. کسب سرمایه‌ی‌انسانی در آن‌ها به‌طور متوسط پایین بود و بیش از ٤۰ درصدشان مانی را در روز به فعالیت‌های مرتبط با کسب سرمایه‌ی‌انسانی اختصاص نمی‌دادند. اکثر این فرزندان دارای مادران خانه‌دار بودند و تنها ۳۰٦ نفر از آن‌ها دارای مادر شاغل بودند. مادران شاغل معمولاً در بخش مزدبگیر عمومی کار کرده و تعداد کمی از آن‌ها کارفرما بودند. سطح تحصیلات مادران نیز پایین بود. به‌طوری که۲۲ درصدشان بی‌سواد، ۳۸ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و تنها در حدود ۵ درصد دارای تحصیلات عالی بودند.

جدول شماره‌ی یک- توزیع نسبی فرزندان بر حسب متغیّرهای منتخب

جنس		سن		کسب سرمایه‌ی‌انسانی (دقیقه)	
دختر	٥٤/۰	۱۵	۱۷/۸	صفر	٤۰/۸
پسر	٤٦/۰	۱٦	۲۰/۳	۱۵ تا ۲۰۰	۱۱/٦
جمع	۱۰۰/۰	۱۷	۲۲/۱	۲۰۰ تا ۳۹۹	۲۳/۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تعداد	**۳۰۴۲**	۱۸	۲۱/۵	٤۰۰ تا ۵۹۹	۲۰/۱
		۱۹	۱۸/۳	٦۰۰ و بالاتر	٤/٤
		جمع	۱۰۰/۰	جمع	۱۰۰/۰
		تعداد	**۳۰۴۲**	**تعداد**	**۳۰۴۲**

ادامه‌ی جدول شماره‌ی یک- توزیع نسبی فرزندان بر حسب متغیّرهای منتخب

جنس		**سن**		**کسب سرمایه‌ِانسانی (دقیقه)**	
وضع فعالیت مادر		وضع شغلی مادر		میزان تحصیلات مادر	
شاغل	۱۰/۰	کارفرما	۲/۹	بی سواد	۲۲/۵
بی کار	۰/۷	کارکن مستقل	۲۸/۸	ابتدایی	۳۸/۰
در حال تحصیل	۰/٤	مزدبگیر بخش عمومی	٤۱/۵	راهنمایی	۱۷/۲
دارای درآمد بودن کار	۱/۲	مزدبگیر بخش خصوصی	۱٤/۷	دبیرستان	۱۷/۵
خانه دار	۸۷/۷	بدون مزد (کارکن فامیلی)	۱۲/۱	تحصیلات عالی	٤/۸
جمع	۱۰۰/۰	جمع	۱۰۰/۰	جمع	۱۰۰/۰
تعداد	**۳۰۴۲**	**تعداد**	**۳۰٦**	**تعداد**	**۳۰۴۲**

اشتغال مادر و کسب سرمایه‌ی انسانی در فرزندان

در جدول شماره‌ی دو مدت زمان کسب سرمایه‌ی‌انسانی بر حسب وضعیت فعالیت نشان داده شده است. کودکان مادران شاغل، در مقایسه با کودکان مادران خانه‌دار و بی‌کار، مدت زمان بیش-تری را به کسب سرمایه‌ی‌انسانی می‌پردازند. در واقع می‌توان به سؤال اول تحقیق این‌گونه پاسخ داد که کودکان مادرانی که در جستجوی کار بوده و بی‌کارند، کمترین زمان را در کسب سرمایه‌ِانسانی داشته و کودکان مادران شاغل بیش‌ترین زمان را در کسب سرمایه‌ی‌انسانی دارند و کودکان مادران خانه‌دار نیز در میان این دو قرار دارند. بنابر تئوری اقتصادی می‌توان گفت که کودک مادر شاغل منابع اقتصادی بیش‌تری را در اختیار دارد و لذا امکان بیش‌تری را نیز برای پرداختن به سایر فعالیت‌های آموزشی دارد. فرزندان مادران بی‌کار مقدار زمان کمتری را نسبت به فرزندان مادران خانه‌دار به کسب سرمایه‌ی‌انسانی می‌پردازند. به‌نظر می‌رسد که مادر بی‌کار، نیاز مالی را برای خانواده خود احساس می‌کند و در جستجوی کار است، ولی هنوز شغلی ندارد و لذا در این‌جا نیز به نوعی می‌توان بحث درآمد خانوار را مهم دانست.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی دو متوسط زمان کسب سرمایه‌ی‌انسانی (به‌دقیقه) توسط فرزندان بر حسب وضعیت اشتغال مادر

وضع فعالیت مادر	میانگین	خطای استاندارد (se)
شاغل	٢٤٧/٧	١٣/٤
بی کار	١٤٩/٣	٣٥/٣
در حال تحصیل	٢٧٥/٥	٥١/١
دارای درآمد بودن کار	٢٦٣/٨	٤٢/١
خانه دار	٢٠٤/١	٤/١
جمع	٢٠٨/٨	٣/٩
	Sig.<٠.٠١	F=٤

شاید محدودکردن اثر اشتغال مادر به تئوری‌های اقتصادی اندکی ساده‌انگارانه باشد. در تئوری‌های اجتماعی به نقش درآمد توجه کمتری شده و بیش‌تر به نقش عاطفی و تربیتی مادر در جهت توسعه‌ی فرزندان توجه می‌شود. در این تئوری‌ها کار مادر حتی می‌تواند برای فرزندان آسیب‌زا هم باشد؛ چراکه نقش کنترلی و تربیتی مادر در خانه را کاهش می‌دهد. ولی همان‌گونه که در کارهای پیشین مشاهده شد، این موضوع در سنین کودکی مطرح است و در سنین بالاتر از اهمیت کمتری برخوردار می‌شود. البته در نگاه دیگر، در تئوری‌های اجتماعی، اهمیت زیادی به سواد مادر داده می‌شود، در مدل نقش، مادر باسواد با مطالعه آشنایی بیش‌تری دارد و می‌تواند برای فرزندان یک الگو محسوب شود. در چهارچوب اجتماعی‌شدن نیز، مادر باسواد اهمیت بیش‌تری را به پرورش فرزندان داده و سعی بیش‌تری را در ارتقای آن‌ها دارد.

در واقع می‌توان گفت که اکثر مادران شاغل، باسواد هم هستند. آیا می‌توان اثر اشتغال مادر را به باسواد بودن او مرتبط دانست؟ آیا این سواد مادر شاغل نیست که باعث می‌شود او اهمیت بیش‌تری به پرورش فرزندان بدهد و احساس نیاز بیش‌تری را در کسب مهارت‌های آموزشی برای آنان داشته باشد. این‌ها سؤالاتی هستند که در پاسخ به سؤال دوم تحقیق و چرایی اثر اشتغال مادر می‌توان عنوان کرد. شاید با این سؤالات، اثر اشتغال مادر که در مباحث قبل صرف بر درآمد دانسته شده بود روشن‌تر بشود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در جدول شماره‌ی سه توزیع فرزندان بر حسب وضعیت فعالیت و سطح تحصیلات مادر آمده است. نتایج نشان از تفاوت معنادار مادران در میان این دو وضعیت است. ٦١ درصد از مادران دارای تحصیلات عالی شاغل هستند، و تنها در حدود ۲۰ درصد خانه‌دار هستند. در میان مادران بی‌سواد و هم‌چنین مادران دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، بیش از ۹۰ درصد مادران خانه‌دار هستند، و تنها در حدود ۷ درصد شاغل دارند. کاملاً مشخص است که مادران با سطح تحصیلات بالاتر بیشتر شاغل هستند.

جداول شماره‌ی چهار و پنج اثرگذاری سطح تحصیلات مادر بر کسب سرمایه‌ی انسانی فرزندان را نشان می‌دهند. هرچقدر که از سطوح تحصیلی پایین مادران به سطوح تحصیلی بالاتر می‌رویم، به‌طور کاملاً خطی به‌میزان کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان اضافه می‌گردد (جدول شماره-ی چهار). مدت زمانی که فرزندان مادران با تحصیلات عالی به کسب سرمایه‌ی‌انسانی می‌پردازند دوبرابر مدت زمانی است که فرزندان مادران بی‌سواد به کسب سرمایه‌ی‌انسانی می‌پردازند (۲٦۰ دقیقه در مقابل ۱۳۷ دقیقه). این تفاوت‌ها معنی‌دار هستند و فرزندان مادران بی‌سواد و مادران با تحصیلات عالی به‌صورت کاملاً معناداری از فرزندان مادران با سایر سطوح تحصیلی متفاوتند. فرزندان مادران بی‌سواد به‌طور کاملاً معنادار کسب سرمایه‌ی‌انسانی کمتر و فرزندان مادران با تحصیلات عالی به‌طور کاملاً معنادار کسب سرمایه‌ی‌انسانی بیش‌تری نسبت به سایر سطوح تحصیلی دارند. فرزندان مادران شاغل سرمایه‌ی‌انسانی بیش‌تری را نسبت به فرزندان مادران خانه‌دار کسب می‌کنند. فرزندان مادران با تحصیلات بالاتر سرمایه‌ی‌انسانی بیش‌تری را نسبت به فرزندان مادران با تحصیلات پایین‌تر کسب می‌کنند. اکثر مادران دارای تحصیلات پایین خانه‌دار هستند و مادران با تحصیلات عالی شاغل هستند.

جدول شماره‌ی سه- توزیع نسبی فرزندان برحسب فعالیت و تحصیلات مادر

وضع فعالیت	میزان تحصیلات مادر					جمع
	بی‌سواد	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان	عالی	
شاغل	٦/٥	٦/٩	٦/٠	٨/٨	٦١/٢	٩/٦
بی کار	٠/٧	٠/٤	٠/٤	٠/٤	٦/١	٠/٨
در حال تحصیل	٠/٠	٠/٣	٠/٠	٠/٨	٢/٧	٠/٤
دارای درآمد بدون کار	٠/٠	٠/٣	٠/٤	٣/٠	١٠/٢	١/٢
دارخانه	٩٢/٨	٩٢/١	٩٣/٣	٨٧/٠	١٩/٧	٨٨/١

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
تعداد	٦٧٩	١١٥٤	٥٢١	٥٣٢	١٤٧	٣٠٣٣
Sig.<۰.۰۱				X^2=٧٣٦		

جدول شماره‌ی چهار- متوسط زمان کسب سرمایه‌ی‌انسانی (به‌دقیقه) توسط فرزندان بر حسب وضع سواد مادر

وضع سواد مادر	میانگین	خطای استاندارد (se)
بی‌سواد	١٣٧/٨٤	٦/٥٨
ابتدایی	٢٠٢/٨٧	٥/٧٩
راهنمایی	٢١٧/٠١	٨/٧٢
دبیرستان	٢٢٠/٨٥	٨/٨٦
تحصیلات عالیه	٢٦٠/٦١	١٧/٣٦
جمع	١٩٦/٤٤	٣/٥٦
Sig.<۰.۰۱		F=٢٣.٥٤

جدول شماره‌ی پنج- آزمون تفاوت میانگین زمان صرف شده در کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان بر حسب وضعیت سواد مادر

متغیّر وابسته		طبقه مرجع	طبقات دیگر	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد (se)	sig
کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان	LSD	بی‌سواد	ابتدایی	-٦٥/٠٣	٩/٣٣	۰/۰۰۰
			راهنمایی	-٧٩/١٧	١١/٢٩	۰/۰۰۰
			دبیرستان	-٨٣/٠١	١١/٢٣	۰/۰۰۰
			تحصیلات عالیه	-١٢٢/٧٧	١٧/٦٩	۰/۰۰۰
		تحصیلات عالیه	بی سواد	١٢٢/٧٧	١٧/٦٩	۰/۰۰۰
			ابتدایی	٥٧/٧٤	١٧/٠٥	۰/۰۰۱
			راهنمایی	٤٣/٦١	١٨/٢٠	۰/۰۲
			دبیرستان	٣٩/٧٦	١٨/١٦	۰/۰۳

با توجه به تأثیر معنی دار درآمد و تحصیلات، کدام یک مهم‌تر است؟ در جداول شماره شش و هفت وضعیت کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان برای مادران بی‌سواد و دارای تحصیلات عالی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بررسی شده است. کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان دارای مادران شاغل با فرزندانی که مادرشان بی-کار یا خانه‌دار هستند در زمانی که مادر بی‌سواد است، هیچ تفاوت معناداری ندارد. در واقع در زمانی که مادر بی‌سواد است، شاغل بودن یا خانه‌دار بودن هیچ اثری بر کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان ندارد. ولی زمانی که مادر دارای تحصیلات عالیه است، شاغل یا خانه‌دار بودن اثر بسیار زیادی را بر کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان دارد و فرزندانی که مادر شاغل با تحصیلات عالی دارند سرمایه‌ی‌انسانی بسیار بالاتری در مقایسه با فرزندانی که مادر بی‌کار یا خانه‌دار با تحصیلات عالی دارند کسب می‌کنند. پس باید گفت که اشتغال به‌خودی خود مهم نیست؛ بلکه زمانی که همراه باسواد باشد اثرگذاری معنادار خود را برجای می‌گذارد.

جدول شماره‌ی شش- متوسط زمان کسب سرمایه‌ی‌انسانی (به‌دقیقه) توسط فرزندان بر حسب وضع فعالیت مادر برای مادران بی‌سواد و دارای تحصیلات عالی

وضعیت سواد مادر	وضع فعالیت مادر	میانگین	خطای استاندارد	F	Sig.
بی‌سواد	شاغل	۱۸۳	۳٤	۰/۹۵	۰/۳۹
	بی کار	۱۸۰	۷۸		
	خانه‌دار	۱٤٤	۷		
تحصیلات عالی	شاغل	۳۱۷	۲۳	٤/٦٦	<۰/۰۱
	بیکار	۵۲	٤۰		
	خانه‌دار	۲۰۰	٤۱		

جدول شماره‌ی هفت- آزمون تفاوت میانگین زمان صرف‌شده در کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان بر حسب وضعیت فعالیت مادر برای مادران بی‌سواد و دارای تحصیلات عالی

	وضع سواد مادر	وضع فعالیت مادر		تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد (se)	sig
		طبقه مرجع	طبقات دیگر			
LCD	بی‌سواد	شاغل	بی‌کار	۳	۸۹	۰/۹۷
			خانه‌دار	۳۹	۳۰	۰/۱۹
	تحصیلات عالی	شاغل	بی‌کار	۲٦٦	۷٦	۰/۰۰۱
			خانه‌دار	۱۱۷	٤۷	۰/۰۱٤

در جداول شماره‌ی هشت و نه نیز وضعیت کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان بر اساس سطح تحصیلات مادر در وضعیت‌های مختلف اشتغال بررسی شده است. زمانی که مادر خانه‌دار است،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تفاوت معناداری در کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان در این که مادرشان دارای سطح تحصیلات عالی یا سایر سطوح پایین‌تر باشد وجود ندارد. ولی در زمانی که مادر شاغل است، سواد مادر بسیار اهمیت دارد و فرزندان مادران با تحصیلات بالاتر سرمایه‌ی‌انسانی بسیار بالاتری را در مقایسه با فرزندان مادران با سطوح تحصیلی پایین‌تر به‌دست می‌آورند. لذا باید گفت که سواد نیز به‌خودی خود مهم نیست، بلکه زمانی که همراه با اشتغال باشد اثرگذاری معنادار خود را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی هشت- متوسط زمان کسب سرمایه‌ی‌انسانی (به‌دقیقه) در فرزندان بر حسب سطوح تحصیلی مادر برای مادران شاغل و خانه‌دار

وضعیت اشتغال مادر	وضعیت سواد مادر	میانگین	خطای استاندارد	F	Sig.
شاغل	بی‌سواد	۱۸۳	۳٤	٦/۱۰	<۰/۰۱
	ابتدایی	۲۰۱	۲۵		
	راهنمایی	۱٦۵	۳۸		
	دبیرستان	۳۱۱	۳۳		
	تحصیلات عالی	۳۱۷	۲۳		
خانه‌دار	بی‌سواد	۱٤٤	۷	۱۷/۰۵	<۰/۰۱
	ابتدایی	۲۲۰	۷		
	راهنمایی	۲۳۲	۱۰		
	دبیرستان	۲۲۰	۱۰		
	تحصیلات عالی	۲۰۰	٤۱		

در یک جمع‌بندی باید گفت که کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان در یک تعادل میان اشتغال و سواد مادران شکل می‌گیرد. زمانی که مادر خانه‌دار و بی‌سواد است کمترین سرمایه‌ی‌انسانی نصیب فرزندان است و زمانی که مادر شاغل و باسواد هم است، بهترین وضعیت برای کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزند وجود دارد. در این‌جا می‌توان یک هم‌آمیزی میان تئوری‌های اقتصادی و اجتماعی را به‌عنوان نتیجه بیان کرد. بنابر تئوری‌های اقتصادی، مادری که شاغل است و تحصیلات عالی دارد منابع مالی بیش‌تری برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان خود در اختیار دارد. در دیدگاه‌های اجتماعی نیز با توجه به مدل نقش و اجتماعی‌شدن، او بنابر تحصیلات بالاترش مدل نقش بهتری را فرزندان ایفا می‌کند و مطالعات او در زمینه‌ی تحصیلی و شغلی می‌تواند برای

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

فرزندانش یک الگوی مناسب باشد. هم‌چنین او به نیازهای آموزشی و پرورشی فرزندان آگاه‌تر است و با توجه به درآمدی که دارد به‌راحتی زمینه‌های لازم را برای آن‌ها فراهم می‌کند.

جدول شماره‌ی نه- آزمون تفاوت میانگین زمان صرف شده در کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان بر حسب سطوح تحصیلی مادر برای مادران شاغل و خانه‌دار

	وضع فعالیت مادر	وضعیت سواد مادر		تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد (se)	sig
		طبقه‌ی مرجع	طبقات دیگر			
LCD	شاغل	تحصیلات عالی	بی‌سواد	۱۳٤	٤۱	۰/۰۰۱
			ابتدایی	۱۱۷	۳٤	۰/۰۰۱
			راهنمایی	۱۵۲	٤٦	۰/۰۰۱
			دبیرستان	۷	٤۰	۰/۸۷
	خانه دار	تحصیلات عالی	بی‌سواد	۵٦	٤۱	۰/۱۷
			ابتدایی	-۲۰	٤۰	۰/٦۳
			راهنمایی	-۳۲	٤۱	۰/٤۳
			دبیرستان	-۲۰	٤۱	۰/٦۳

همان‌گونه که در بحث‌های قبل مطرح شد، اگر مزیت اشتغال مادر به درآمد حاصله باشد پس باید اثرگذاری آن در میان کسانی که درآمد بالاتر دارند بالاتر باشد. از آن جایی که در این‌جا به‌طور مستقیم درآمد مادر در دسترس نیست سعی می‌شود که اثرگذاری آن به‌صورت غیرمستقیم بررسی شود. در بحث قبلی به متغیّر تحصیلات به‌عنوان یکی از مواردی که می‌تواند با درآمد بالاتر همراه باشد توجه شد. در این‌جا دو متغیّر دیگر یعنی مرتبه‌ی شغلی و هم‌چنین مدت زمان اشتغال افراد به کار مزدی که می‌توانند نشان از درآمد بالاتر داشته باشند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در جدول شماره‌ی ده تحت یک مدل رگرسیونی به آزمون اثرگذاری مقدار زمان کار مزدی مادران شاغل بر کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان پرداخته شده است. نتایج نشان از این دارد که مقدار زمان کار مزدی مادر شاغل رابطه‌ی مثبت و معناداری را با کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان دارد. با ورود متغیّر سطح تحصیلات مادر به‌عنوان کنترل کار (مدل دوم) مزدی مادر اثر خود را حفظ کرده و حتی معناداری آن بهتر می‌شود. لذا در این‌جا نیز به‌نوعی نتایج قبلی اثرگذاری سواد و اشتغال مادر در کنار هم وجود دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در جداول شماره‌ی یازده و دوازده به بررسی تأثیر موقعیت شغلی مادر شاغل پرداخته شده است. نتایج نشان از این است که فرزندان مادران شاغلی که مادر آن‌ها در وضعیت شغلی کارفرما و مزدبگیر بخش عمومی قرار دارد کسب سرمایه‌ی‌انسانی بالاتری را در مقایسه با فرزندانی که مادران آن‌ها در وضعیت شغلی کارکن مستقل، مزدبگیر بخش خصوصی و کارکن فامیلی هستند دارند.

در این دو بحث نیز باز به‌گونه‌ای اثر مثبت اشتغال از طریق درآمد مادر را می‌توان مطرح کرد. مادران شاغلی که در وضعیت کار فرما قرار دارند و هم‌چنین مادران شاغلی که مدت زمان بیش-تری را به کار مزدی می‌پردازند، می‌توانند درآمد بیش‌تری را داشته باشند و لذا قابلیت بیش‌تری را هم برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان داشته باشند.

جدول شماره‌ی ده- ضرایب رگرسیونی برای تاثیر زمان کار مزدی مادران شاغل بر کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان

مدل		B	Std. Error	Beta	t	.Sig	F	.Sig	R
۱	ضریب ثابت	۱۸۳/۷٦	۲۲/۳۸		۸/۲۱	۰/۰۰۰	٦	<۰/۰۵	۰/۱٤۳
	مقدار زمان کار مادر در بیرون از خانه	۰/۱۸	۰/۰۷	۰/۱٤۳	۲/۵۳	۰/۰۱۲			
۲	ضریب ثابت	۷۲/۵۲	۳۲/۹٦		۲/۲۰	۰/۰۲۹	۱۳	<۰/۰۱	۰/۲۸۵
	مقدار زمان کار مادر در بیرون از خانه	۰/۲۲	۰/۰۷	۰/۱۷۳	۳/۱۳	۰/۰۰۲			
	وضعیت سواد مادر	۲/۸٦	۰/٦٤	۰/۲٤۸	٤/٤۹	۰/۰۰۰			

جدول شماره‌ی یازده- متوسط زمان کسب سرمایه‌ی‌انسانی (به‌دقیقه) در فرزندان بر حسب موقعیت شغلی مادر

وضعیت شغلی مادر	میانگین (دقیقه)	خطای استاندارد (se)
کارفرما	۳۰٤	۵۵
کارکن مستقل	۱۷۵	۲۱
مزدبگیر بخش عمومی	۲۸۹	۱۸
مزدبگیر بخش خصوصی	۱۷۷	۲٦
بدون مزد (کارکن فامیلی)	۱۳٤	۳۰
جمع	۲۲۱	۱۱
	Sig.<۰.۰۱	F=۸

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی دوازده- آزمون تفاوت میانگین زمان صرف شده در کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان بر حسب موقعیت شغلی مادر

		طبقه‌ی مرجع	طبقات دیگر	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد (se)	sig
کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان	LSD	کارفرما	کارکن مستقل	۱۲۸/۵۶	۶۵/۹۱	۰/۰۵
			مزدبگیر بخش عمومی	۱۴/۴۴	۶۴/۷۷	۰/۸۲
			مزدبگیر بخش خصوصی	۱۲۷/۱۱	۶۷/۸۴	۰/۰۶
			بدون مزد (کارکن فامیلی)	۱۶۹/۶۹	۶۹/۸۴	۰/۰۲
		مزدبگیر بخش عمومی	کارفرما	-۱۴/۴۴	۶۴/۷۷	۰/۸۲
			کارکن مستقل	۱۱۴/۱۲	۲۷/۱۰	۰/۰۰
			مزدبگیر بخش خصوصی	۱۱۲/۶۷	۳۱/۴۹	۰/۰۰
			بدون مزد (کارکن فامیلی)	۱۵۵/۲۵	۳۵/۶۱	۰/۰۰

نتیجه‌گیری

با توجه به رشد اشتغال زنان در جوامع امروزی، مطالعات زیادی به اثرگذاری اشتغال مادر بر خانواده پرداخته‌اند. از جمله این مطالعات آن‌هایی هستند که به بررسی اثرگذاری اشتغال مادر بر کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان می‌پردازند. اگرچه مطالعات در این زمینه فراوان است ولی نتایج کماکان متفاوت از هم است. ولی در یک نگاه کلی می‌توان گفت که در این مطالعات نظر بر این است که اشتغال مادر برای کودکان در سنین پایین نتایج منفی را به بار می‌آورد ولی در سنین بالاتر فرزندان، اثر آن مثبت می‌شود. چرا که درآمد مادر یک منبع خوب برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان در این سنین است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در این مطالعه که با استفاده از داده‌های پیمایش گذران وقت در مورد جوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله‌ی شهری ایران انجام پذیرفت، نشان داده شده است که فرزندان مادران شاغل مدت زمان بیش‌تری را به فعالیت‌هایی مرتبط با کسب سرمایه‌ی‌انسانی اختصاص می‌دهند.

ولی آیا می‌توان اثر مثبت اشتغال مادر را تنها به تئوری‌های اقتصادی محدود کرد و آن را ناشی از درآمد دانست. در کنار تئوری‌های اقتصادی، تئوری‌های اجتماعی قرار دارند که به نقش تربیتی و پرورشی مادر اهمیت فراوان داده و توجه کمتری به درآمد می‌کنند و حتی اشتغال مادر را به‌دلیل دور شدن مادر از خانه، برای فرزندان مُضِّر می‌دانند.

در راه حل این مسأله که نمی‌توان از تئوری‌های اجتماعی چشم‌پوشی کرد و این که چگونه می‌توان به مسأله ی اثر دو گانه‌ی اشتغال کنار آمد، به بررسی بیش‌تر تئوری‌های اجتماعی پرداخته شد. یکی از متغیّرهای که در تئوری‌های اجتماعی توجه ویژه‌ای به آن می‌شود، سواد مادر است. مادر باسواد آگاهی بیش‌تری با پرورش فرزندان دارد و هم‌چنین از نیازهای آموزشی آن‌ها آگاه‌تر است و توانایی بیش‌تری در جهت کمک به فرزندان خود در این زمینه دارد. نتایج این بررسی نیز کاملاً این موضوع را تأیید کرده است و نشان داد که هرچه سطح تحصیلات مادر بالاتر می‌رود، مدت زمانی که فرزندان آن‌ها به کسب سرمایه‌ی‌انسانی می‌پردازند نیز بیش‌تر می‌شود.

لذا با توجه به این که فرزند مادر شاغل کسب سرمایه‌ی‌انسانی بیش‌تری داشت، و فرزند مادر باسواد نیز کسب سرمایه‌ی‌انسانی بالاتری داشت و هم‌چنین این که اکثر مادران شاغل، سطح تحصیلی بالاتری را نیز داشتند، این سؤال مطرح شد که آیا می‌توان اثر مثبت اشتغال مادر را در نگاه تئوری‌های اجتماعی ناشی از با سواد بودن آن ها دانست؟ به‌همین منظور تحلیل‌ها با کنترل تحصیلات و اشتغال مادر انجام شدند.

نتایج نشان از این داشته است که اشتغال و سواد مادر در یک رابطه‌ی تقابلی با هم دیگر بر کسب سرمایه‌ی‌انسانی فرزندان تأثیر می‌گذارند. اثر مثبت اشتغال مادر در زمانی که مادر بی‌سواد است وجود ندارد، همچنین اثر مثبت سواد مادر در زمانی که مادر خانه‌دار یا بی‌کار است معنادار نیست. فرزندان مادرانی که خانه‌دار و بی سواد هستند کمترین سرمایه‌ی‌انسانی را کسب می‌کنند و فرزندان مادران شاغل با تحصیلات عالی بیش‌ترین سرمایه‌ی‌انسانی را کسب می‌کنند.

لذا می‌توان ترکیبی از تئوری‌های اقتصادی و اجتماعی را برای تبیین نتایج به‌کار برد. درآمد مادر شاغل می‌تواند یک منبع خوب برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی‌انسانی فرزندانش باشد. باسواد بودن مادر می‌تواند درآمد حاصله از اشتغال او را بیش‌تر کنند و هم‌چنین این که مادر باسواد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

یک الگوی بهتری برای فرزندان خود در حوزه‌ی مطالعه و کسب سرمایه‌ی‌انسانی ارائه می‌کنـد. او هم‌چنین اهمیت بیش‌تری به تربیت و پرورش فرزند خود می‌دهد؛ نیازهای آموزشی و پرورشی او را می‌شناسد و درصورت شاغل بودنش، منابع مالی مورد نیاز را در جهت بـه فعـل در آوردن ایـن نیازها در دسترس دارد.

بررسی رتبه‌ی شغلی و مدت زمان کار مزدی مادران شاغل، به‌عنوان تعیین کننده‌هایی از درآمد آن‌ها نیز نشان از مهم بودن درآمد مادران شاغل برای فرزندان بود. فرزندان مادران شاغلی که مدت زمان بیش‌تری را به‌کار می‌پردازند کسب سرمایه‌ی‌انسانی بالاتری را دارند. هم‌چنین، فرزنـدانی کـه مادران‌شان کارفرما یا مزدبگیر بخش عمومی است سرمایه‌ی بـالاتری را نسـبت بـه فرزنـدانی کـه مادران‌شان در بخش خصوصی شاغل هستند کسب می‌کنند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. آزاد ارمکی تقی، مهدی مبارکی وزهره شهبازی (۱۳۹۲) «بررسیو شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه‌ی اجتماعی» **فصلنامه ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، سال اول، شماره‌یاول، ص ۷-۳۰.**

۲. ترکاشوند، محمد (۱۳۹۰) «گذار جمعیّت شناختی در ایران: بررسی روندهای باروری و مرگ میر ایران در دوره‌ی زمانی ۱۲۵۰ تا ۱٤۳۰» مقاله ارائه شده در همایش**تحلیل روندهای جمعیّتی کشور**۲۹ و ۳۰ آذر ۱۳۹۰، تهران، دانشگاه تربیّت مدرّس.

۳. ترکاشوند، محمّد (۱۳۹۱) ***تغییرات خانواده در ایران و اثرگذاری آن بر کسب سرمایه‌ی‌انسانی نوجوانان ایران،*** پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی جمعیّت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، گروه جمعیّت‌شناسی.

٤. رحمانی فیروزجاه علی وسعدیه سهرابی (۱۳۹۲) «بررسی جامعه شناختی رابطه میان کیفیت زندگی و سرمایه‌ی اجتماعی(مطالعه موردی شهر تهران)»، **فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی**،سال اول، شماره‌ی دوم، ص ۱۵۷-۱۷۵.

۵. محمودیان، حسین، مجید کوششی، محمّد ترکاشوند و مرجان رشوند (۱۳۹۱) **بررسی و مقایسه ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی استان‌های کشور با تاکید بر شاخص‌های جمعیّتی،** دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

٦. محمودیان، حسین، محمود قاضی طباطبایی و محمّد ترکاشوند (۱۳۹۱) «تاثیر زندگی در خانواده‌های تک والدینی بر کسب سرمایه‌ی انسانی فرزندان (مطالعه‌ی موردی جوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله شهری ایران)»، **بررسی مسایل اجتماعی ایران**، سال سوم، شماره اول، ص ٦۷-۹٦.

۷. Amato, Paul R. and Bruce Keith. (۱۹۹۱) «Parental divorce and adult well-Being: a meta-analysis», **Journal of Marriage and the Family**, ۵۳(۱):٤۳-۵۸.

۸. Astone. Nan Marie and Sara S. McLanahan. (۱۹۹۱)« Family Structure, parental practices and high school completion» ,American Sociological Review, ۵٦(۳):۳۰۹-۳۲۰.

۹. Baker, David P. and David L. Stevenson. (۱۹۸٦) «Mother's strategies for children's school achievement: managing the transition to high school», **Sociology of Education**, ۵۹:۱۵٦-٦٦

۱۰. Becker, Gary S. (۱۹٦۲) «Investment in human capital: a theoretical analysis», **Journal of Political Economy**, Vol. ۷۰, No. ۵.

۱۱. Becker, Gary S. (۱۹٦٤) **Human Capital**, Columbia University Press. http://www.um.edu.uy/docs/revistafcee/۲۰۰۲/humancapitalBecker.pdf.۲۳.۱۰.۲۰ ۱۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۲. Becker, Gary S. (۱۹۷۵) «Human capital», Encyclopedia Essay on Human Capital, www.econlib.org/library/enc/humancapital.html
۱۳. Becker, Gary S., Kevin M. Murphy and Robert Tamura. (۱۹۹۰)« "Human capital, fertility, and economic growth», **Journal of Political Economy**, Vol. ۹۸, No. ٥.
۱٤. Becker, Sascha O., Francesco Cinnirella, and Ludger Woessmann. (۲۰۱۰) «The trade-off between fertility and education: evidence from before the demographic transition», **J Econ Growth**, ۱٥:۱۷۷–۲۰٤.
۱٥. Bernal, R. (۲۰۰۸) «The effect of maternal employment and child care on children's cognitive development», **International Economic Review**, ٤۹(٤):۱۱۷۳-۱۲۰۹.
۱٦. Bernal, Raquel and Anna Fruttero. (۲۰۰۸) «Parental leave policies, intra-household time allocations and children's human capital», **J Popul Econ**, ۲۱:۷۷۹–۸۲٥.
۱۷. Bianchi, Suzanne. (۲۰۰۰) «Maternal Employment and Time with Children: Dramatic Change or Surprising Continuity», **Demography**, ۳۷(٤):٤۰۱–٤۱٤.
۱۸. Bianchi. Suzanne M. and John Robinson. (۱۹۹۷) «What did you do today? children's use of time, family composition, and the acquisition of social capital», **Journal of Marriage and Family**, ٥۹(۲):۳۳۲-۳٤٤.
۱۹. Black S., P. Devereux and K. Salvanes. (۲۰۰٥) «The more the merrier? the effect of family size on and birth order on children's education», **The Quarterly Journal of Economics**. Vol. ۱۲۰:٦٦۹-۷۰۰.
۲۰. Cheung, Sin Yi and Robert Andersen. (۲۰۰۳) «Time to Read: Family Resources and Educational Outcomes in Britain», **Journal of Comparative Family Studies**; ۳٤(۳):٤۱۳-٤۳۳.
۲۱. Coley, Rebekah Levine, Heather J. Bachman, Elizabeth Votruba-Drzal, Brenda J. Lohman and Christine P. Li-Grining. (۲۰۰۷) «Maternal welfare and employment experiences and adolescent well-being: do mothers' human capital characteristics matter?», **Children and Youth Services Review**, ۲۹(۲):۱۹۳-۲۱٥.
۲۲. Duncan, Greg J. and Saul D. Hoffman. (۱۹۸٥) «A Re-consideration of the Economic Consequences of Marital Dissolution», **Demography**, ۲۲:٤۸٥-۹۷.
۲۳. Ferrari. Giulia and Gianpiero Dalla Zuanna. (۲۰۱۰) «Siblings and human capital: a comparison between Italy and France», **Demographic Research**, ۲۳:٥۸۷-٦۱٤.
۲٤. Garfinkel, Irwin and Sara McLanahan. (۱۹۸٦) Single Mothers and Their Children. An American Dilemma, Baltimore, Urban Institute Press.
۲٥. Hanushek, E. (۱۹۹۲)« The Trade-off_ between Child Quantity and Quality», Journal of Political Economy, VOL ۱۰۰, NO. ۱.
۲٦. Haveman, Robert and Barbara Wolfe. (۱۹۹٥) «The Determinants of Children's Attainments: A Review of Methods and Findings», **Journal of Economic Literature**, ۳۳(٤٤):۱۸۲۹-۱۸۷۸.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۲۷. Hill, Martha and Duncan, Greg J. (۱۹۸۷) «Parental Family Income and the Socioeconomic Attainment of Children», **Soc. Sci. Res**, ۱٦(۱):۳۹-۷۳.
۲۸. Horiuchi, Kiyomi. (۲۰۰٤) Gender differentials in investment in human capital of children: do the expected returns to education matter?, PhD dissertation, Hopkins University.
۲۹. Horomnea Emil and Alina – Mariana Istrate. (۲۰۱۱) «Considerations on human capital concept», **The Annals of The "Ştefan cel Mare" University of Suceava. Fascicle of The Faculty of Economics and Public Administration,** ۱۱(۱):۱۵۹-۱٦٦. www.seap.usv.ro/annals
۳۰. Mahmoudian Hossein, Mohammad Torkashvand. (۲۰۱۳) «The influence of family size on the achievement of human capital by children aged ۱۵-۱۹ years in urban areas of Iran»,Paper to be presented at XXVII IUSSP International Population Conference, August ۲٦-۳۱, Busan, Republic of Korea,.
۳۱. Organization for Economic Corporation and Development (OECD). (۱۹۹۸) **Human Capital Investment: An International Comparison**, Paris: OECD.
۳۲. Ruhm, Christopher J. (۲۰۰۸) «Maternal employment and adolescent development», **Labour Econ.**, ۱۵(۵): ۹۵۸–۹۸۳.
۳۳. Schultz, Theodore W. (۱۹۵۹) «Investment in man: an economist's view», **Social Service Review**, ۳۳(۲):۱۰۹-۱۱۷.
۳٤. Schultz, Theodore W. (۱۹٦۱) «Investment in human capital», **The American Economic Review**, ۵(۱):۱-۱۷.
۳۵. Statistical Centre of Iran (۲۰۱۳) **Population Data Sheet for the Islamic Republic of Iran ۲۰۱۱**, Tehran: Statistical Centre of Iran.
۳٦. Wight, Vanessa R., Joseph Price, Suzanne M. Bianchi and Bijou R. Hunt. (۲۰۰۹) «The time use of teenagers», **Social Science Research,** ۳۸:۷۹۲–۸۰۹
۳۷. Yakita Akira. (۲۰۱۰) «Human capital accumulation, fertility and economic development», **J Econ**, ۹۹:۹۷–۱۱٦.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

This document was created with Win2PDF available at http://www.win2pdf.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]